

وضعیت توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه ایران با تاکید بر شاخص‌های اجتماعی توسعه پایدار شهری

ساجده واعظزاده^۱، علی ایاسه^۲

چکیده

توسعه پایدار شهری متأثر از عوامل متعددی است که یکی از آن‌ها سیاست‌های کلان بالادستی از جمله برنامه‌های توسعه ۵ ساله کشور است. با توجه به انتقاداتی که به این برنامه‌ها وارد است در این مقاله این هدف دنبال می‌شود که اساساً چه مبانی نظری در پشت برنامه‌های توسعه در ایران وجود دارد که مانع از تحقق اهداف آن می‌گردد. برای دست‌یافتن به پاسخ این پرسش، در مقاله حاضر نظریه دولت در باب توسعه اجتماعی و پیامدهای آن برای توسعه شهری پایدار بررسی شده است. روش انجام پژوهش تحلیل محتواست و داده‌های موردنیاز به شیوه اسنادی جمع‌آوری شده است. جامعه آماری پژوهش را برنامه‌های چهارم تا ششم توسعه تشکیل می‌دهند و موادی از برنامه‌های مذکور به صورت تمام شماری به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند که حاوی اشاراتی به توسعه اجتماعی بوده‌اند. نتایج بررسی نشان می‌دهند که توسعه اجتماعی در اندیشه دولتمردان کشور محدود به تأمین برخی از نیازهای اولیه است. همچنین مواد مندرج در این برنامه‌ها بسیاری از مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار شهری مانند

۱- دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشکده توسعه کالبدی سازمان جهاد دانشگاهی استان کرمانشاه (نویسنده مسؤول)
vaezzade@acecr.ac.ir

ayasseh@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

مشارکت اجتماعی، تنوع فرهنگی و اقلیت‌ها و گروه‌های خاص را در برنمی‌گیرند. مزید بر این موارد، کیفی بودن اکثر شاخص‌های توسعه اجتماعی امکان عملیاتی شدن اهداف و سپس ارزیابی عملکرد دولت را در خصوص میزان تحقق اهداف بیان‌شده سلب نموده است. **کلید واژه‌ها:** توسعه اجتماعی، برنامه‌ریزی توسعه، توسعه پایدار شهری، برنامه‌های ۵ ساله توسعه

مقدمه و بیان مسئله

از آنجاکه گسترش شتابان شهرنشینی در دنیای امروز تبدیل به واقعیتی انکارناپذیر شده است توسعه پایدار تا حد زیادی به توسعه پایدار شهرها گره‌خورده است. توسعه پایدار شهری در چند دهه اخیر پارادایم نوین و مسلط در ادبیات نظری و عملی رایج در باب توسعه و برنامه‌ریزی شهری بوده است. در ترسیم الگوی توسعه پایدار شهری، محورهایی چون پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی نقش راهبردی دارد و از ترکیب این سه دیدگاه، نظریه توسعه پایدار شهری شکل‌گرفته است. در این میان پایداری اجتماعی هرچند دیرتر از دو محور دیگر مورد توجه قرار گرفت اما به‌زعم بسیاری از اندیشمندان این محور نه در کنار سایر محورها بلکه دخیل و ممزوج در همه آن‌ها باید دیده شود (میجلی^۱، ۱۳۹۸: ۲۱۴). چنین برداشتی از توسعه اجتماعی نشان‌دهنده جایگاه مهم آن در توسعه پایدار شهری است و نشان می‌دهد که هر نوع توفیقی در پیشبرد اهداف توسعه پایدار شهری نیازمند اتخاذ رویکردی اجتماعی در همه ابعاد است.

فرایند توسعه اجتماعی شبیه فرایند ذاتی تغییر اجتماعی نیست که بدون توقف در هر اجتماع زنده‌ای رخ دهد بلکه نتیجه مداخله آگاهانه و تعمدی و با استفاده از ابزارهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به‌منظور به وجود آوردن تغییرات غیر تصادفی به سمت اهداف مطلوب است (یاگونبر و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳۰). توسعه اجتماعی از زمان ورود آن به مباحث توسعه موضوع بحث‌های زیادی بوده است که چالش‌ها و جنجال‌های

1. Midgley

عمده متوجه تعاریف و شاخص‌های توسعه اجتماعی می‌باشد. اما غافل از این‌که تعاریف خود از رویکردهای نظری عمیق در اندیشه صاحب‌نظران نسبت به مفاهیم پایه همچون رفاه و پیشرفت نشأت می‌گیرد. رویکردهای نظری در پشت تعاریف و شاخص‌ها پنهان شده‌اند و جهت‌گیری برنامه‌های توسعه را تعیین می‌کنند. لذا یکی از فعالیت‌های اساسی در زمینه آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه، استخراج رویکردهای نظری پشت اهداف و برنامه‌های اعلام‌شده است.

سازمان ملل و برخی مؤسسات بین‌المللی دیگر به‌طور منظم وضعیت توسعه اجتماعی را در کشورهای جهان رصد می‌کنند. وضعیت ایران در اکثر شاخص‌ها مطلوب ارزیابی نمی‌شود (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۲). این در حالی است که ایران یکی از کشورهای پیشرو در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه در میان کشورهای در حال توسعه است و در کلیه برنامه‌های توسعه پنج‌ساله پس از انقلاب، اهداف اجتماعی لحاظ شده است (جعفایی، ۱۳۹۵). با توجه به رشد روزافزون شهرنشینی در ایران که از چند دهه پیش آغاز شده و همچنان ادامه دارد و ضرورت توجه به پایداری توسعه شهری در برنامه‌های توسعه، این سؤال مطرح می‌شود که چارچوب نظری مکتوم در برنامه‌های توسعه در ایران در بعد اجتماعی چه نسبتی با شاخص‌های اجتماعی توسعه پایدار شهری دارد. در این مقاله سعی شده است ضمن شناسایی پارادایم فکری هدایت‌کننده برنامه‌های توسعه در ایران یا به عبارتی، کشف نظریه دولت‌های ایران در خصوص چیستی توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه، میزان انطباق آن با شاخص‌های اجتماعی توسعه شهری را بررسی نماید. در این راستا به‌طور خاص دو هدف دنبال می‌شود: ۱- ارزیابی چارچوب‌های نظری توسعه اجتماعی در برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه کشور ۲- ارزیابی وضعیت انطباق چارچوب‌های نظری توسعه اجتماعی مکتوم در برنامه‌های توسعه کشور با شاخص‌های اجتماعی توسعه پایدار شهری. حصول هدف نخست از طریق تحلیل محتوای برنامه‌های چهارم تا ششم توسعه دنبال شده است اما هدف دوم به شیوه‌ای نظری مورد توجه قرار گرفته است.

ادبیات پژوهش

برنامه‌های توسعه در ایران از زوایای مختلفی توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به‌طور مثال، جوادی یگانه (۱۳۸۲) با مطالعه محتوای برنامه‌های اول و دوم توسعه در ایران به این نتیجه رسیده است که در هر دو برنامه، اهداف بیشتر سوسیالیستی و وسایل بیشتر لیبرالیستی بوده‌اند. حسینی (۱۳۸۴) در مطالعه کاستی‌های توسعه‌نیافتگی در برنامه‌ریزی توسعه در ایران معتقد است که با توجه به شکست الگوهای برنامه‌ریزی توسعه در ایران باید الگوی توسعه اقتصادی مخصوص ایران، مبتنی بر تحولات تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن از بطن و قلب مؤسسات علمی و دانشگاهی جوشیده از خود ایران برگزیده شود. غفاری و همکاران (۱۳۸۷) با مطالعه کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران اعلام کردند که در هیچ‌کدام از برنامه‌ها، امور رفاهی و اجتماعی به سطح سیاست‌گذاری ارتقا نیافته‌اند و بیشتر از جایگاهی خدماتی برخوردار بوده‌اند. علاوه بر آن، مسائل اجتماعی از منظر اقتصادی نگاه شده است. امید (۱۳۹۱) با تحلیل مؤلفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی در برنامه‌های عمران و توسعه ایران به این نتیجه دست یافت که متغیرهای زمینه‌ای محیط سیاست‌گذاری، تأثیر اساسی بر متغیرهای ماهیتی و ساختاری دارند. هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی گفتمان عدالت در برنامه‌های توسعه ایران پس از انقلاب اسلامی به این نتیجه رسیدند که با هژمونی گفتمان سازندگی بر فضای سیاسی و اجتماعی کشور، این گفتمان مفهومی از عدالت اجتماعی را بازنمایی نموده که بسیار متأثر از فضای سیاسی و اجتماعی کشور پس از جنگ و لزوم بازسازی خرابی‌های ناشی از آن و حرکت به سمت وسوی رشد اقتصادی به‌منظور تأمین منابع مالی موردنیاز برای سازندگی بود. کلانتری و همکاران (۱۳۹۲) با بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی در کشورهای جهان و ایران ضمن پرداختن به موضوعاتی مانند فقر، تبعیض و آسیب‌های اجتماعی که در بین همه کشورها عمومیت دارند موضوعات اختصاصی کشورهای توسعه یافته را نیز مورد توجه قرار داده‌اند از جمله سالمندی، مهاجران غیر قانونی و چالش‌های جهانی شدن. جغتایی و همکاران (۱۳۹۵) با تحلیل

محتوای ۵ برنامه توسعه پس از انقلاب اسلامی به منظور شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در این برنامه‌ها به این نتیجه دست یافتند که در هر پنج برنامه توجه مشترکی به مؤلفه‌های آموزش، حمایت و تأمین اجتماعی، حفاظت از محیط‌زیست، بهره‌برداری بهینه از منابع، علم گسترده و فناوری و تعدیل شکاف مناطق محروم و برخوردار شده است اما برای مؤلفه‌هایی چون عدالت جنسیتی، همبستگی و انسجام ملی، هم‌گرایی قومی-نژادی، کاهش واگرایی مذهبی، جوانان، سالمندان، سلامت و ثبات خانواده، امنیت اجتماعی یا سیاست‌گذاری صورت نگرفته یا سیاست‌ها مبهم و کلی بوده‌اند.

ارتباط توسعه‌ی پایداری شهری با مؤلفه‌های اجتماعی توسعه نیز موضوع تحقیقات متعددی بوده است، از جمله لطیفی (۱۳۸۲) به بررسی تأثیر توسعه فرهنگی بر توسعه پایدار شهری پرداخته و عدالت اجتماعی و مشارکت را به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه شهری پایدار معرفی نموده است. سپهوند و عارف نژاد (۱۳۹۲) با اولویت‌بندی شاخص‌های توسعه پایدار شهری گزارش کردند که توسعه پایدار اقتصادی و پس‌از آن اجتماعی بیشترین تأثیر را بر توسعه پایدار شهر اصفهان داشته است. عبدالله زاده و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود ناپایداری در محله‌های شهری را نتیجه عدم احساس تعلق به محیط زندگی و کاهش ارتباطات اجتماعی اعلام کردند. غفوریان و همکاران (۱۳۹۶) نیز در بررسی تأثیرپذیری تعاملات اجتماعی از مؤلفه‌های پایداری اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی شهر تهران به این نتیجه رسیدند که از بین مؤلفه‌های اجتماعی پایداری، مؤلفه‌های مشارکت، هویت، حس تعلق و امنیت به ترتیب بیشترین تأثیر را برافزایش تعاملات اجتماعی در بین ساکنین مجموعه‌های مسکونی دارند. حاجی‌علی‌اکبری (۱۳۹۶) در پژوهشی راجع به پایداری محلات شهری به این نتیجه دست یافتند که در اجرای طرح‌های توسعه شهری به‌صورت مشارکتی ممکن است دو مشکل به وجود آید: اول، مشارکت تنها گروه محدودی از ساکنان مانند ریش‌سفیدان و معتمدین را در برگیرد. دوم، مشارکت تنها محدود به شنیدن سخنان باشد و تضمینی برای به‌کارگیری دیدگاه‌های ساکنان وجود نداشته باشد. قرایی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش

خود با موضوع رابطه بین فرم شهر و پایداری اجتماعی در شهر تهران دریافتند که ارتباط معنی‌داری بین عوامل اصلی فرم شهر با عامل ترکیبی شاخص‌های پایداری اجتماعی (میزان دسترسی شهروندان به خدمات محلی، میزان امنیت اجتماعی، میزان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، میزان تعامل با دیگر ساکنین یا گروه‌های اجتماعی، رضایتمندی از سکونت و میزان دسترسی شهروندان به مسکن قابل استطاعت) وجود دارد. برزگر و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی خود در زمینه پایداری اجتماعی-اقتصادی در شهرهای کوچک شمال کشور به این نتیجه دست یافتند که این شهرها فاصله زیادی با سطح قابل قبول شاخص‌های پایداری اجتماعی و اقتصادی دارند. بیشترین فاصله در بعد اجتماعی مربوط به کیفیت زندگی بوده است.

پژوهش‌های مرور شده در زمینه تأثیرپذیری توسعه پایدار شهری از شاخص‌های اجتماعی اتفاق نظر دارند اما مؤلفه‌های اجتماعی یکسانی در این پژوهش‌ها دنبال نشده است، ضمن این‌که آثار و پیامدهای سیاست‌گذاری رسمی در آن‌ها کمتر به بحث گذاشته شده است.

به لحاظ نظری، توسعه اجتماعی اصطلاحی دو قسمتی است شامل مفهوم «توسعه» و «اجتماعی». توسعه بر اساس معانی که در لغتنامه‌ها برای آن درج شده عمل یا فرایند رشد به یک حالت یا وضعیت پیشرفته‌تر و تکامل‌یافته‌تر است (پرکیو^۱، ۲۰۰۹). این اصطلاح هرچند اشاره به فرایند تغییر در جامعه دارد اما از همان ابتدا با مدرنیزاسیون و پیشرفت اقتصادی در کشورهای در حال توسعه پس از جنگ جهانی دوم پیوند خورد که در آن دوره با رشد اقتصادی و صنعتی شدن تعریف می‌شد (میجلی، ۱۳۹۸). کلمه «اجتماعی» اشاره به تعاملات بین انسان‌ها دارد و پدیده‌های پیچیده‌ای که از این تعاملات به وجود می‌آیند، مانند گروه‌ها و انجمن‌ها، شبکه‌های اجتماعی، ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و نهادها.

در یک دسته‌بندی کلی، تعاریف موجود از توسعه اجتماعی به دودسته عمده‌ی تعاریف خاص و تعاریف عام تقسیم می‌شوند. تعاریف خاص شامل آن دسته از

1. Perkió

تعاریف‌اند که بر یک یا چند بعد خاص مانند سرمایه اجتماعی، آزادی‌های فردی، مشارکت مردم و ... تأکید ورزیده و اهمیت آن را در فرایند توسعه اجتماعی برجسته ساخته‌اند. اما در تعاریف عام، توسعه اجتماعی به‌مثابه یک کلیت در نظر گرفته شده است و بر مفاهیمی چون کیفیت زندگی، انرژی‌های بشر و مانند آن تکیه شده است (فاضلی، ۱۳۹۲: ۱۶۱-۱۶۴). همچنین تعاریف توسعه اجتماعی ممکن است رفاه‌گرا یا مارکسیستی باشند. رفاه‌گرایان، مفهوم توسعه اجتماعی را در حرکت جامعه به‌سوی کیفیت بهتر زندگی می‌بینند. درمقابل، مارکسیست‌ها بر ارزشهای مبتنی بر برابری اجتماعی تأکید می‌کنند (کلانتری، ۱۳۷۷: ۲۰۸).

ازجمله تعاریف عامی که به نظر می‌رسد ابعاد مختلف موضوع را پوشش می‌دهد از سوی جاکبز و کلوند (۱۳۸۷) ارائه شده است. آن‌ها توسعه اجتماعی را فرایندی می‌دانند که فعالیت‌ها و انرژی‌های بشر را در سطوح بالا در جهت رسیدن به نتایج بهتر سازمان‌دهی و از توان او استفاده می‌کند (جاکبز و کلوند، ۱۳۸۷: ۱۳۰). آن‌ها معتقدند که توسعه اجتماعی یک حرکت رو به بالای اجتماعی است که انرژی، کارایی، کیفیت، تولیدگری، پیچیدگی، درک مطلب، آفرینش‌گری، آزادی و اختیار، چیرگی، بهره‌مندی و دستاورد جامعه را از سطوح پایین به سطوح بالاتر ارتقاء می‌دهد. توسعه افراد و جوامع موجب می‌شود که آزادی و اختیار بشر افزایش یابد و توانمندی او برای انجام این آزادی‌ها نیز بالا رود (همان: ۱۷۰-۱۷۱). به اعتقاد کولکارنی (۱۳۸۷) توسعه اجتماعی به معنای یک استراتژی کلان مداخله برنامه‌ریزی شده برای بهبود ظرفیت نظام‌های اجتماعی موجود است تا از عهده مقتضیات تغییر و رشد برآید (کولکارنی، ۱۳۸۷: ۱۸۶). یاگونبر و همکاران (۱۳۸۷) نیز با معادل قرار دادن مفهوم توسعه و توسعه اجتماعی، آن را عزیمت همه‌جانبه (نظری-عملی) و رو به کمال جامعه از سطوح پایین به سطوح بالای توانایی، کارآمدی، کیفیت، بهره‌وری، پیچیدگی، درک، خلاقیت، مهارت، لذت و فضیلت می‌دانند (یاگونبر و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵). همچنین بر اساس آخرین تعاریف سازمان ملل، توسعه اجتماعی شامل هم دستاوردهای مادی مانند سلامت، آموزش و پرورش مناسب، دسترسی پایدار به منابع، کالاها و خدمات برای زندگی مناسب در یک محیط قابل‌پذیرش است، و

هم دستاوردهای غیرمادی با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مانند حس کرامت، امنیت و شمول اجتماعی و دستاوردهای سیاسی مربوط به فعالیت، مشارکت و بازنمایی است (مؤسسه مطالعات توسعه اجتماعی سازمان ملل، ۲۰۱۶).

باملاحظه بحث‌های مطرح‌شده، در مجموع می‌توان ابعاد مختلف مفهوم توسعه اجتماعی را به ترتیب ذیل معرفی کرد:

- سرمایه اجتماعی، اعتماد و انسجام اجتماعی
- ارتقاء آزادی‌های فردی و اجتماعی، رفع تبعیض جنسی و گسترش امنیت به‌منظور ایجاد زمینه‌ای باثبات برای توسعه
- افزایش شفافیت و پاسخگویی حکومت و صاحبان قدرت
- تأمین نیازهای فردی و اجتماعی همه اعضای جامعه
- ارتقاء سطح مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، تأمین منابع، اجرا و ارزیابی طرح‌های توسعه‌ای (فاضلی، ۱۳۹۲: ۱۶۳).

۳. شاخص‌های توسعه پایدار شهری

توسعه پایدار و پایداری شهری پیوند بسیار نزدیکی باهم دارند. مک‌نیل^۱ معتقد است توسعه پایدار به میزان زیادی با شهر ارتباط دارد. دلایل عمده این ارتباط را باید در توزیع جمعیت، نقش دولت‌ها در سطوح مختلف و تولید و مصرف کالا و خدمات دید (عزیزی، ۱۳۸۰: ۱۷). ال‌کین^۲ و همکاران (۱۹۹۱) توسعه پایدار شهری را توسعه‌ای تعریف می‌کنند که پاسخگوی نیازهای زندگی کاربران معاصر و نسل آینده باشد. سامباموکوکو^۳ در تعریف توسعه پایدار شهری می‌گوید توسعه شهری باید به‌گونه‌ای باشد که کاربری‌ها تمام سطوح را در بر گرفته و تمامی ساکنین شهر از تأمین نیازهای اساسی‌شان از جمله تأمین مسکن، ارتباطات، اوقات فراغت و غذا رضایت داشته باشند و

1. UNIRSD

2. Macneill

3. Elkin

4. Samba Mok oko

شهر از نظر طبیعی در تمامی زمان‌ها مکانی باشد با هوای پاک، آب بهداشتی، خاک بدون تخریب و بدون آلودگی آب‌های زیرزمینی حفاظت شده. از نظر اقتصادی، اقتصاد شهری بایستی قادر به سازش دادن تکنولوژی و تغییرات صنعتی در حمایت از شغل افراد بوده، از نظر اجتماعی الگوهای کاربری اراضی بایستی باعث افزایش قدرت انتخاب اجتماعی در نواحی مختلف شهری برای ساکنین شود، به گونه‌ای که ساکنین در سلسله‌مراتب اجتماعی احساس رضایت داشته باشند (رحیمی، ۱۳۷۸: ۴۶). در این تعریف نیازهای اساسی مقوله‌ای عمومی فرض شده و پایداری اجتماعی معطوف به افزایش قدرت انتخاب شهروندان و رضایت آن‌هاست.

توسعه پایدار شهری سعی در حل مشکلات شهرها دارد. این مفهوم در بخش اجتماعی، حقوق افراد، دموکراسی و عدالت اجتماعی را مدنظر دارد و در بخش اقتصادی، برطرف کردن نیازهای اساسی مردم، جلوگیری از فقر و برنامه‌ریزی در جهت مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی موردتوجه است. هدف توسعه پایدار شهری ایجاد یک شهر سالم و مردم‌وار با منابع غنی است، یعنی شهر نه تنها از نظر فرم شهری و میزان دسترسی قابل قبول انرژی بلکه از نظر نقش و کارکردهای آن مکانی برای زندگی باشد (ملکی، ۱۳۸۲: ۴۹). محور بودن انسان، مقابله با انفجار جمعیت شهری و کاهش نرخ رشد جمعیت، اهمیت دادن به هویت و ویژگی‌های فرهنگی خاص هر شهر و حفظ و تقویت ارزش‌های مثبت فرهنگی محلی، کاهش فقر و کاهش اختلافات طبقاتی، بسترسازی عدالت اجتماعی و شهروندی و توزیع عادلانه و متعادل امکانات بین مناطق شهری، بسترسازی تقویت بنیان نهادهای اجتماعی و بنیان خانوادگی، تغییر در رفتارها برای ایجاد تغییر در الگوهای مصرف بی‌رویه منابع، بسترسازی مشارکت شهروندی و همبستگی اجتماعی برای ارتقاء سطح فرهنگ زیست‌محیطی، گسترش آداب و فرهنگ شهرنشینی از جمله مؤلفه‌های توسعه پایدار شهری است (روستایی و تیموری، ۱۳۹۲: ۷). همچنین کاهش تنش‌های اجتماعی، شیوه سازمان‌دهی سازگار با شرایط اجتماعی، تأمین برابری برای ناتوانان، زنان و گروه‌های نژادی، قومی، مذهبی، حقوق انسانی، آموزش و آگاهی‌های زیست‌محیطی، بهداشت و درمان و سرپناه مناسب برای همه، گسترش نقش

خانواده و اجتماع، حقوق سیاسی و مشارکت و گسترش ارزش‌های اجتماعی از محورهای اساسی توسعه پایدار شهری در بعد اجتماعی است (پاپ سون و روبل^۱، ۲۰۰۱: ۳۸۲). کلارک^۲ (۱۹۹۲) از بین بردن شکاف بین فقیر و غنی را در برنامه‌های توسعه شهری مهم قلمداد کرده است. سوجا^۳ (۱۹۸۶) توجه به تنوع‌گرایی، عدم تشکیل اجتماعات اقلیت نژادی و جلوگیری از فقر را برای دستیابی به توسعه شهری پایدار ضروری می‌داند. زیاری (۱۳۸۰) در این زمینه به شاخص‌هایی همچون حفظ فرهنگ و سنت‌ها و ارزش‌ها، روی آوردن به مصالح و هنرهای بومی اشاره کرده است. در مجموع می‌توان گفت همانند شاخص‌های توسعه اجتماعی، در زمینه شاخص‌های توسعه شهری پایدار نیز در میان صاحب‌نظران توافق وجود ندارد. باین‌حال، به نظر می‌رسد مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه پایدار شهری در بعد اجتماعی عبارت‌اند از عدالت اجتماعی، مشارکت و حفظ فرهنگ‌ها و سنت‌ها.

جدول ۱: شاخص‌ها و مؤلفه‌های اجتماعی توسعه پایدار شهری

ردیف	شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
۱	عدالت	برابری جنسیتی، برابری اقلیت‌ها و توجه به گروه‌های آسیب‌پذیر
۲	امنیت	امنیت فردی و اجتماعی، امنیت جسمی، روانی، اقتصادی
۳	حفظ تنوع	حمایت از فرهنگ‌ها و سنت‌ها، ممانعت از تشکیل اجتماعات اقلیت، توجه به هنرهای بومی
۴	نیازهای اساسی	تأمین مسکن، ارتباطات، اوقات فراغت، غذا
۵	مشارکت	مشارکت در تصمیم‌گیری، افزایش حضور مردم و نهادهای مدنی، توجه به حقوق شهروندی
۶	حس تعلق	هویت، رضایتمندی
۷	همبستگی اجتماعی	افزایش سرمایه اجتماعی، کاهش تنش‌های اجتماعی
۸	نهادهای اجتماعی	خانواده و نهادهای مدنی

1. Popson & Ruble
2. Clark
3. Soja

روش‌شناسی

روش مورد استفاده در این پژوهش کیفی است. داده‌های پژوهش را اسناد مربوط به قانون برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه تشکیل می‌دهند که با استفاده از روش تحلیل محتوای مقوله‌ای^۱ بررسی شده‌اند. در این روش، شیوه کار به این صورت است که ابتدا متن مورد نظر به اجزائی تجزیه شده و سپس اجزا به طبقاتی تقسیم می‌شوند. پس از آن با شمارش فراوانی هر طبقه، درصد آن‌ها مشخص می‌گردد و در پایان، آن درصدها تحلیل می‌شوند. در پژوهش حاضر ابتدا کل مواد مندرج در هر سه برنامه مطالعه شده است، سپس موضوعات مرتبط با توسعه اجتماعی استخراج گردیدند. پس از آن اهداف اصلی در هر ماده شناسایی شدند. در مرحله بعد گرایش‌های نظری در هر یک از مواد استنباط شده و اطلاعات به دست آمده در سه برنامه باهم مقایسه شدند. سپس مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه با مؤلفه‌های توسعه پایدار شهری تطبیق داده شده و در نهایت آثار و پیامدهای گرایش‌های نظری شناسایی شده بر توسعه پایدار شهری به شیوه‌ای نظری تحلیل شد.

یافته‌ها

اهداف اجتماعی در برنامه‌های توسعه

یافته‌های به دست آمده از تحلیل محتوای موضوعات اجتماعی مندرج در قانون برنامه چهارم توسعه، حاکی از آن است که مواد تعیین شده برای موضوعات اجتماعی حول سه حوزه اصلی سازمان‌دهی شده‌اند که عبارت‌اند از: سلامت، عدالت اجتماعی و امنیت انسانی (جدول ۲). مهم‌ترین اهداف در حوزه سلامت عبارت‌اند از امنیت غذایی، تأمین سبب مطلوب غذایی و کاهش سوء تغذیه.

جدول ۲. بعد سلامت در برنامه‌های چهارم تا ششم توسعه اجتماعی

برنامه ششم	برنامه پنجم	برنامه چهارم
تحقق سیاست‌های کلان سلامت، مدیریت سلامت	امنیت غذایی و بهداشتی، ساماندهی منابع عمومی سلامت، مدیریت دانش در حوزه سلامت، عدالت اجتماعی، پیشگیری از بیماری‌ها	امنیت غذایی، تأمین سبد مطلوب غذایی، کاهش سوء تغذیه و گسترش سلامت همگانی، کاهش مخاطرات سلامتی، کاهش خطرات اعتیاد، و... حضور در بازار جهانی سلامت، ارتقاء کیفیت خدمات، دسترسی عادلانه به خدمات، ارتقاء عدالت توزیعی دسترسی به خدمات بهداشتی، تقویت نظام بیمه خدمات درمانی، درمان مصدومین حوادث و سوانح رانندگی، تأمین دارو، ارتقاء وضعیت بهداشتی

مهم‌ترین اهداف در حوزه عدالت اجتماعی عبارت‌اند از کاهش نابرابری‌ها (فقرزدایی)، استقرار سازمانی نظام جامع تأمین اجتماعی، هدفمند کردن یارانه‌ها.

جدول ۳. بعد عدالت اجتماعی در برنامه‌های چهارم تا ششم توسعه اجتماعی

برنامه ششم	برنامه پنجم	برنامه چهارم
آموزش همگانی، عدالت اجتماعی، عدالت قضایی	تثبیت حقوق بنیادین کار، حمایتی و توانمندسازی، بیمه اجتماعی، کیفیت زندگی، بیمه	کاهش نابرابری‌ها (فقرزدایی)، استقرار سازمانی نظام جامع تأمین اجتماعی، هدفمند کردن یارانه‌ها

در حوزه امنیت انسانی مهم‌ترین اهداف کاهش اعتیاد، ارتقای سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی هستند.

جدول ۴. بعد امنیت انسانی در برنامه‌های چهارم تا ششم توسعه اجتماعی

برنامه ششم	برنامه پنجم	برنامه چهارم
امنیت فضای کسب‌وکار، کارآفرینی، جذب متخصصین و اشتغال جوانان، مردمی کردن اقتصاد، تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، اشتغال، مبارزه با مواد مخدر، ارتقاء جایگاه زنان، تحکیم خانواده، بیمه اجتماعی	بیمه اجتماعی، تأمین اجتماعی، حوادث و سوانح، سرمایه اجتماعی، جوانان و خانواده، ازدواج و خانواده	کاهش آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر اعتیاد، ارتقای سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی، بهبود وضعیت زندگی، حقوق شهروندی، تنظیم روابط کار، توسعه بخش تعاونی، بیمه، اتباع خارجی، اشتغال

همچنین در حوزه توسعه انسانی مهم‌ترین اهداف عبارت‌اند از کاهش اعتیاد، ارتقای سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی هستند. رشد شاخص‌های آموزش، بهداشت، اشتغال، حفظ آثار تاریخی و فرهنگی، تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی و حمایت از پژوهش.

جدول ۵. بعد توسعه انسانی در برنامه‌های چهارم تا ششم توسعه اجتماعی

برنامه چهارم	برنامه پنجم	برنامه ششم
-	رشد شاخص‌های آموزش، بهداشت و اشتغال	حفظ آثار تاریخی و فرهنگی، تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی، حمایت از پژوهش

در برنامه پنجم توسعه، مواد اجتماعی حول چهار موضوع اصلی تنظیم شده‌اند که عبارت‌اند از: توسعه انسانی، امنیت انسانی، سلامت و عدالت اجتماعی. توسعه انسانی با یک ماده در خصوص شاخص توسعه انسانی مطرح شده است و برای نیل به این هدف، تصویب سند راهبردی «ارتقاء سطح شاخص توسعه انسانی پیش‌بینی شده است. در موضوع امنیت انسانی اهدافی مانند بیمه اجتماعی، تأمین اجتماعی و بیمه سلامت در نظر گرفته شده است. در موضوع سلامت به مواردی همچون امنیت غذایی و بهداشتی، ساماندهی منابع عمومی سلامت و مدیریت دانش در حوزه سلامت پرداخته شده است. در رابطه با عدالت اجتماعی، اهداف تثبیت حقوق بنیادین کار، حمایتی و توانمندسازی تعیین شده است.

در برنامه ششم توسعه نیز مواد اجتماعی حول چهار موضوع اصلی شامل توسعه انسانی، امنیت انسانی، سلامت و عدالت اجتماعی تنظیم شده‌اند. توسعه انسانی با سه ماده شامل اهداف حفظ آثار تاریخی و فرهنگی، تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی و حمایت از پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. در بعد امنیت انسانی، اهدافی چون امنیت فضای کسب و کار، کارآفرینی و جذب متخصصین و اشتغال جوانان مورد توجه قرار گرفته است. در موضوع سلامت به دو هدف تحقق سیاست‌های کلان سلامت و مدیریت سلامت اشاره شده است. در موضوع عدالت اجتماعی به اهدافی چون آموزش، عدالت اجتماعی و عدالت قضایی اشاره شده است.

گرایش‌های نظری دولتمردان در خصوص توسعه اجتماعی

بر اساس یافته‌های پژوهش، توسعه اجتماعی در برنامه چهارم توسعه با ابعاد سلامت، عدالت اجتماعی و امنیت انسانی مورد توجه قرار گرفته است اما در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه یک بعد دیگر با محتوای توسعه انسانی به آن اضافه شده است. با مقایسه اهداف مطرح شده در بعد سلامت مشخص می‌گردد که عدالت توزیعی دسترسی به خدمات بهداشتی در هر سه برنامه مشترک است. با این‌که در برنامه چهارم اهداف وسیعی در سطح ملی و بین‌المللی مطرح شده که هم شامل پیش‌گیری می‌شود و هم درمان، اما در برنامه پنجم و ششم بیشتر اهداف بر مدیریت سلامت و اجرای سیاست‌های پیشین متمرکز شده‌اند و این مورد در برنامه چهارم دیده نمی‌شود. در بعد عدالت اجتماعی، برنامه‌های چهارم و پنجم در زمینه تأمین اجتماعی و حمایت از اقشار ضعیف باهم اشتراک دارند اما در برنامه ششم این هدف بسیار کلی مطرح شده است. همچنین برنامه پنجم در بحث عدالت اجتماعی بیشتر به اقشار خاص (ایشانگران) توجه داشته است. در بعد امنیت انسانی، مقایسه اهداف در سه برنامه نشان می‌دهد که اشتغال هدف مشترک هر سه برنامه است با این تفاوت که در برنامه چهارم اشتغال در کنار کاهش آسیب‌های اجتماعی و بهبود وضعیت زندگی مطرح شده، در برنامه پنجم اشتغال جوانان در کنار ازدواج و خانواده مطرح شده و در برنامه ششم اشتغال همراه با اقتصاد دانش‌بنیان و مردمی کردن اقتصاد مطرح شده که نشان‌دهنده اوضاع اجتماعی در سه دوره زمانی است. در بعد توسعه انسانی، به نظر می‌رسد در برنامه پنجم توسعه بیشتر بر جایگاه جهانی ایران در زمینه شاخص‌های توسعه انسانی توجه شده اما در برنامه ششم تقویت فرهنگ ملی مورد توجه بوده است.

انطباق با شاخص‌های اجتماعی توسعه پایدار شهری

مقایسه اجمالی مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه و ادبیات توسعه پایدار شهری (جدول ۶) نکاتی را به شرح زیر آشکار می‌سازد:

۱- در بحث عدالت، تمرکز برنامه‌های توسعه بر گسترش عدالت توزیعی و تنها در

برنامه ششم اشاره گذرایی به آموزش همگانی و جایگاه زنان شده است، حال آن‌که در ادبیات توسعه پایدار شهری، این شاخص شامل عدالت توزیعی و توجه به اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر است.

۲- در بحث امنیت، گرایش برنامه‌های توسعه بیشتر به سوی تأمین امنیت جسمی، فردی و اقتصادی است اما در ادبیات توسعه پایدار شهری موضوع امنیت علاوه بر آن شامل امنیت روانی و امنیت اجتماعی نیز می‌باشد.

۳- حفظ تنوع در ادبیات توسعه پایدار شهری شامل تنوع فرهنگی و گروه‌های اقلیت و حفظ هنرهای بومی است در حالی که در برنامه‌های توسعه این موضوع مغفول واقع شده و تنها به تعالی فرهنگی و حفظ آثار تاریخی و فرهنگی اشاره شده است که نشان می‌دهد در رویکرد دولتمردان نوعی یگانه‌انگاری و وحدت فرهنگی وجود دارد.

۴- در رابطه با تأمین نیازهای اساسی، توجه و تمرکز برنامه‌های توسعه بیشتر بر تأمین غذا و بهداشت بوده است در حالی که در ادبیات توسعه پایدار شهری این شاخص مؤلفه‌های مسکن، ارتباطات و اوقات فراغت را نیز در برمی‌گیرد.

۵- در بحث مشارکت، در حالی که در ادبیات توسعه پایدار شهری افزایش حضور مردم و نهادهای مدنی در تصمیم‌گیری‌ها و رعایت حقوق شهروندی مدنظر است در برنامه‌های توسعه مردمی کردن اقتصاد و توجه به حقوق شهروندی مطرح شده است.

۶- هویت و رضایتمندی مؤلفه‌های اصلی شاخص حس تعلق به شهر در ادبیات توسعه پایدار شهری اما در برنامه‌های توسعه (برنامه چهارم) تنها به رضایت از زندگی اشاره شده است که تداعی‌کننده نوعی فردیت و استقلال از فضای شهری است.

۷- شاخص همبستگی اجتماعی در ادبیات توسعه پایدار شهری شامل افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش تنش‌های اجتماعی است اما در برنامه‌های توسعه تنها به موضوع سرمایه اجتماعی پرداخته شده است.

۸- خانواده و نهادهای مدنی دو مؤلفه اصلی شاخص نهادهای اجتماعی در ادبیات توسعه پایدار شهری است، اما این شاخص در برنامه‌های توسعه با جزئیات بیشتری همراه بوده و ازدواج و جوانان را نیز شامل می‌شود.

جدول ۶: مقایسه مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه و ادبیات توسعه پایدار

شهری

ردیف	توسعه پایدار شهری		برنامه‌های توسعه
	شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	
۱	عدالت	برابری جنسیتی، برابری اقلیت‌ها و توجه به گروه‌های آسیب‌پذیر	کاهش نابرابری‌ها (فقرزدایی)، هدفمند کردن یارانه‌ها (برنامه چهارم)، مقررات کار، بیمه (برنامه پنجم)، آموزش همگانی، ارتقاء جایگاه زنان (برنامه ششم)
۲	امنیت	امنیت فردی و اجتماعی، امنیت جسمی، روانی، اقتصادی	کاهش اعتیاد، اشتغال (برنامه چهارم)، تأمین اجتماعی، حوادث و سوانح (برنامه ششم)
۳	حفظ تنوع	حمایت از فرهنگ‌ها و سنت‌ها، ممانعت از تشکیل اجتماعات اقلیت، توجه به هنرهای بومی	حفظ آثار تاریخی و فرهنگی، تعالی فرهنگی، حمایت از پژوهش (برنامه ششم)
۴	نیازهای اساسی	تأمین مسکن، ارتباطات، اوقات فراغت، غذا	غذا (برنامه چهارم)، بهداشت (برنامه ششم)
۵	مشارکت	مشارکت در تصمیم‌گیری، افزایش حضور مردم و نهادهای مدنی، توجه به حقوق شهروندی	حقوق شهروندی (برنامه چهارم)، مردمی کردن اقتصاد (برنامه ششم)
۶	حس تعلق	هویت، رضایتمندی	رضایت از زندگی (برنامه چهارم)
۷	همبستگی اجتماعی	افزایش سرمایه اجتماعی، کاهش تنش‌های اجتماعی	سرمایه اجتماعی (برنامه چهارم و پنجم)
۹	نهادهای اجتماعی	خانواده و نهادهای مدنی	جوانان، ازدواج (برنامه پنجم)، تحکیم خانواده، (برنامه پنجم و ششم)

بحث

یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده غلبه اندیشه‌های مبتنی بر نظریه نیازهای اولیه در تدوین برنامه‌های توسعه در ایران است. به‌طور مثال، در بحث عدالت در برنامه‌های توسعه تنها به اقبال ضعیف از بعد اقتصادی توجه شده حال آن‌که در فرایند توسعه پایدار شهری،

می‌بایست علاوه بر اقشار کم‌درآمد، اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر مانند معلولان، کودکان، زنان و اقلیت‌های قومی و مذهبی نیز مورد توجه قرار گیرند. همچنین در بحث امنیت، گرایش برنامه‌های توسعه به تأمین امنیت جسمی، فردی و اقتصادی است و سایر ابعاد امنیت که معطوف به سطح بالاتری از نیازهاست مانند امنیت روانی و اجتماعی در این برنامه‌ها جایگاهی ندارند. در رابطه با حفظ تنوع فرهنگی نیز در برنامه‌های توسعه هیچ ماده‌ای در نظر گرفته نشده است حال آن‌که یکی از مؤلفه‌های مهم توسعه پایدار شهری حمایت از تنوع فرهنگی و گروه‌های اقلیت و حفظ هنرهای بومی است. اتفاقاً در برنامه ششم توسعه اشاره به تعالی فرهنگی و حفظ آثار تاریخی و فرهنگی دیده منی شود که نشان می‌دهد در رویکرد دولتمردان نوعی یگانه‌نگاری و وحدت فرهنگی وجود دارد. بنابراین درحالی‌که توسعه پایدار شهری نیازمند توجه به سطوح بالاتری از نیازهای انسانی مانند افزایش قدرت انتخاب شهروندان در استفاده از فضاهای شهری و احساس رضایتمندی آنان است (رحیمی، ۱۳۷۸) این موضوعات در برنامه‌های توسعه ایران مورد توجه قرار نگرفته است. تمرکز بر نیازهای اولیه در برنامه‌های توسعه مانع از پرداختن به موضوعاتی مانند اوقات فراغت، همبستگی اجتماعی، سرمایه اجتماعی و ارتباطات شده است، درحالی‌که توسعه پایدار شهری ارتباط زیادی با این موضوعات دارد، به‌ویژه بحث سرمایه اجتماعی که حاوی پایداری مناسبات اجتماعی و تضمین‌کننده مشارکت اجتماعی در توسعه شهری است مغفول واقع شده است. همچنین محدود شدن توسعه اجتماعی به سطح نیازهای اولیه، آن‌هم برخی از نیازهای اولیه، این پیامد را برای توسعه شهری به دنبال دارد که چشم‌انداز توسعه شهری بسیار محدود شده و نهایتاً حفظ حداقل‌ها مدنظر قرار می‌گیرد.

همچنین در برنامه‌های بررسی شده، شرکای اجتماعی، بخش خصوصی، مردم و نهادهای مدنی در هر سه برنامه حضور دارند اما در همه‌جا هدف برنامه‌ها تقویت آن‌ها عنوان شده و اصولاً سازوکارهای نحوه بهره‌مندی از توان شرکای اجتماعی در جهت تحقق اهداف توسعه مشخص نیست. به نظر می‌رسد تدوین‌کنندگان برنامه‌ها ارتباط

یک‌سویه‌ای بین توسعه و مشارکت مردم قائل‌اند، یعنی خدمات برنامه‌های توسعه به افزایش مشارکت و بنابراین مشارکت مردم فی‌نفسه مطلوب و خواستنی است نه به جهت توان آن در پیشبرد اهداف توسعه. ظاهراً مشارکت در اینجا وسیله‌ای برای تحقق توسعه فردی قلمداد می‌شود که شایسته است دولت به تقویت آن کمک کند. وجود چنین ذهنیتی از رابطه بین توسعه و مشارکت باعث شده است که سازوکارهای روشنی برای نحوه عملکرد شرکای اجتماعی در برنامه‌های توسعه تعریف نشود. این موضوع نشان می‌دهد که توسعه در اندیشه تدوین‌کنندگان برنامه‌ها جریانی از بالا رو به پایین است، یعنی از حاکمیت رو به مردم، نه جریانی دوسویه. معنی دیگر این موضوع آن است که مباحث جهانی و آکادمیک در رابطه با نقش مشارکت اجتماعی در توسعه در برنامه‌های توسعه ایران به‌گونه‌ای بسیار سطحی فهم شده است و در واقع روح آن به‌هیچ‌وجه ادراک نشده است. در نتیجه توسعه شهری با این اشکال مواجه است که در راستای خواسته‌ها و نیازهای شهروندان نبوده و به دلیل آن که شرکای اجتماعی در فرایند توسعه نقشی نداشته‌اند در عمل ممکن است فاقد پایداری و استمرار کافی باشد.

نتیجه‌گیری

با مفروض گرفتن این مسئله که یکی از علل ناکامی برنامه‌های توسعه شهری در ایران، وجود مشکلاتی در مبانی نظری پشت این برنامه‌هاست، در مقاله حاضر این موضوع دنبال شد که چه مبانی نظری در پشت برنامه‌های توسعه در ایران وجود دارد که مانع از تحقق اهداف آن می‌گردد و این موضوع چه پیامدهایی برای توسعه پایدار شهری دارد. یافته‌های تحقیق نشان داد که در اندیشه دولتمردان ایران توسعه اجتماعی به معنی رفع نیازهای اساسی شهروندان است و آن‌ها سطوح بالاتری از توسعه را مدنظر ندارند. این امر باعث می‌شود که برخی از مهم‌ترین اهداف توسعه پایدار شهری مانند قدرت انتخاب شهروندان و احساس رضایتمندی آنان مورد غفلت واقع شود. علاوه بر این، در برنامه‌های توسعه تعریف محدودی از نیازهای اولیه صورت گرفته و موضوعاتی مانند

اوقات فراغت، سرمایه اجتماعی و ارتباطات مورد توجه قرار نگرفته است، درحالی‌که توسعه شهری به میزان زیادی با این موضوعات ارتباط دارد. محدود شدن توسعه اجتماعی به تأمین برخی از نیازهای اولیه همچنین باعث می‌شود که چشم‌انداز توسعه شهری بسیار محدود ترسیم شده و از بلندپروازی‌هایی که برای توسعه شهرهای مدرن ضرورت دارد غفلت صورت گیرد.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که توسعه اجتماعی در اندیشه دولتمردان کشور پدیده‌ای کیفی است و شاخص‌های آن به گونه‌ای عملیاتی نشده‌اند که قابلیت پایش و اندازه‌گیری داشته باشند. این امر باعث می‌شود که توسعه شهری در عمل از ناحیه برنامه‌های توسعه اجتماعی کمکی دریافت ننموده و به صورت ناقص و ناکارآمد پیاده شود. به ویژه در بحث مشارکت اجتماعی در صورتی که سازوکارهای عملیاتی روشنی برای ارتقاء آن پیش‌بینی نشده باشد توسعه پایدار شهری به میزان زیادی از این موضوع آسیب می‌بیند.

با توجه به نتایج این پژوهش و با ارجاع به این‌که اندیشه دولتمردان در خصوص ابعاد توسعه اجتماعی و محتوای آن‌ها با آنچه نخبگان دانشگاهی می‌اندیشند (ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰) تفاوت دارد این پیشنهاد قابل طرح است که به منظور تعیین ابعاد و شاخص‌های توسعه اجتماعی و عملیاتی سازی شاخص‌ها، فرایندی تعریف گردد که طی آن بین دو گروه از نخبگان دانشگاهی و دولتی اجماع نظر حاصل شده و برآیند آن تدوین برنامه‌هایی جامع باشد به نحوی که اهداف توسعه پایدار شهری به طور کامل در آن لحاظ گردد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ مبارکی، مهدی؛ شهبازی، زهره (۱۳۹۰)، بررسی و شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی (با استفاده از تکنیک دلفی)، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، سال اول، شماره اول، ۳۰-۸.
- امید، رضا (۱۳۹۱)، تحلیل برنامه‌های عمران و توسعه ایران از منظر مؤلفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی، برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۷ (۴): ۹۷-۱۱۴.

- برزگر، صادق، بخشی، امیر؛ حیدری، محمدتقی (۱۳۹۸)، تبیین پایداری اجتماعی اقتصادی در شهرهای کوچک با رویکرد توسعه پایدار (نمونه: شهرهای کوچک شمال ایران)، **فصلنامه مجلس و راهبرد** (۲۶)، ۹۷، ۳۸-۵.
- جاکیز، گری؛ کلوند، هارلن (۱۳۸۷)، **ابعاد نظریه توسعه اجتماعی، توسعه اجتماعی، جمعی** از مترجمان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۷۶-۱۲۹.
- جغتایی، فائزه؛ موسوی، میر طاهر؛ زاهدی، محمدجواد (۱۳۹۵)، **ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال ۱۶، شماره ۶، ۵۵-۸۸.
- جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۲)، **شاخص‌های ایدئولوژیک در دو برنامه اول و دوم توسعه در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۸، ۱۲۰-۸۹.
- حاجی علی اکبری، کاوه (۱۳۹۶)، **شناسایی شاخص‌های مؤثر بر تحقق پایداری محله از جنبه کارکردی مورد پژوهی: محلات دارای بافت فرسوده در شهر تهران، باغ نظر**، شماره ۱۴ (۵۱)، ۶۰-۴۵.
- حسینی، علی (۱۳۸۴)، **کاستی‌های توسعه‌نیافتگی برنامه‌ریزی توسعه در ایران، همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران**، جلد اول، تهران، مؤسسه عالی آموزشی و پژوهش مدیریت.
- رحیمی، حسین (۱۳۷۸)، **توسعه پایدار شهری با تکیه بر توان‌های محیطی شهرستان کاشمر**، رساله دکتری به راهنمایی دکتر شکوهی، دانشگاه تربیت مدرس.
- روستایی، شهریور؛ تیموری، راضیه (۱۳۹۲)، **چالش‌های برنامه‌ریزی شهری در جهت دستیابی به توسعه پایدار شهری، اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان**، قزوین.
- زیاری، کرامت الله (۱۳۸۰)، **توسعه پایدار و مسئولیت برنامه‌ریزی شهری در قرن بیست و یکم، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران**، شماره ۱۶۰، ۳۷۱-۳۸۵.
- سپهوند، رضا؛ عارف نژاد، محسن (۱۳۹۲)، **اولویت‌بندی شاخص‌های توسعه پایدار شهری با رویکرد تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی گروهی (مطالعه موردی در شهر اصفهان)**، **فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری**، شماره ۱، ۴۳-۵۹.

- عبدالله زاده، سیده مهسا؛ ارژمند، محمود؛ امین پور، احمد (۱۳۹۶)، ابعاد پایداری اجتماعی در کالبد محله‌های سنتی ایران، نمونه موردی: محله سنگ سیاه شیراز، فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۱۹، ۳۵-۵۴.
- عزیزی، محمدمهدی (۱۳۸۰)، توسعه شهری پایدار: برداشت و تحلیلی از دیدگاه‌های جهانی، صفة، شماره ۳۳، ۱۴-۲۷.
- غفاری، غلامرضا؛ امید، رضا (۱۳۸۷)، کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۸، شماره ۳۰ و ۳۱، ۳۳-۹.
- غفوریان، میترا؛ افشین مهر، وحید؛ نوروزی زاده، زهرا (۱۳۹۶)، بازشناسی مؤلفه‌های پایداری اجتماعی مؤثر برافزایش تعاملات اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی (مطالعه موردی محله اباذر تهران)، فصلنامه هویت شهر، شمار ۳۰، ۴۴-۳۱.
- فاضلی، محمد؛ فتاحی، سجاده؛ زنجان رفیعی، سیده نسترن، ۱۳۹۲، توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان، مجله مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی، سال ۲، شماره ۱، ۱۵۹-۱۸۲.
- قرایی، آزاده؛ زبردست، اسفندیار؛ ماجدی، حمید (۱۳۹۷)، تبیین ارتباط میان فرم شهر و پایداری اجتماعی، نمونه موردی: مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، شماره ۳(۷)، ۹۳-۷۹.
- کلانتری، خلیل (۱۳۷۷)، مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، دوره ۱۲، شماره ۱۳۲-۱۳۱: ۲۱۳-۲۰۸.
- کلانتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام؛ مقدم سلیمی، فرشید (۱۳۹۲)، توسعه اجتماعی: چشم انداز جهانی و وضعیت ایران، چاپ دوم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- کولکارنی، پی‌دی، ۱۳۸۷، مفهوم توسعه اجتماعی، توسعه اجتماعی، جمعی از مترجمان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۲)، توسعه شهری پایدار و توسعه فرهنگی، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۲۲، ۱۵۳-۱۳۱.
- ملکی، سعید (۱۳۸۲)، شهر پایدار و توسعه پایدار شهری، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۰۲، ۵۴-۳۴.

- میجلی، جیمز (۱۳۹۸)، *توسعه اجتماعی نظریه و اقدام*، ترجمه سید احمد فیروزآبادی و حمیده دباغی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هزارجریبی، جعفر؛ صفری شالی، رحیم (۱۳۹۲)، *گفتمان عدالت در لوایح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی (با تأکید بر کاهش فقر و محرومیت)*، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۶۱، ۴۴-۱.
- یاگونبر، گری؛ مک فارلند، رابرت؛ آسوکان، ان (۱۳۸۷)، *نظریه جامع توسعه اجتماعی*، توسعه اجتماعی، جمعی از مترجمان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- Clark, Michael. (1992). **A Sustainable Economy**, London, Earthscan.
- Elkin, T., McLaren, D., & Hillman, M. (1991). **Reviving the City**, London: Friends of the Earth.
- Perkio, M. (2009). **Perspectives to Global Social Development**. Global Social Work. Finland, Tampere University Press.
- Popson, N. E., Ruble, A. B. (2001). A Test of Urban Social Sustainability: Societal Responses Tokyoiv's "Non-Traditional" Migrants. **Journal of Urban Antropology**, Vol. 30, No. 4.
- Soja, E & Scott, A. (1986). Lous Angeles Capital of the Late Twentieth Century: Environment and Planning D. **Society and Space**. 4: 249-254.
- UNIRSD (2016) **Transformations to Equity and Sustainability: UNIRSD Strategy 2016-2020**. Available at: [http://www.unrisd.org/80256B42004CCC77/\(httpInfoFiles\)/AA1325A0788B08EBC1257F1D005A3FA3/\\$file/Transformations_to_Equity_and_Sustainaility_UNRISD_trategy_2016-2020.pdf](http://www.unrisd.org/80256B42004CCC77/(httpInfoFiles)/AA1325A0788B08EBC1257F1D005A3FA3/$file/Transformations_to_Equity_and_Sustainaility_UNRISD_trategy_2016-2020.pdf)